

ارزیابی و امکان سنجی نظام نظارتی فرادولتی امام خمینی(ره)

بهرام اخوان کاظمی^۱

چکیده

نظارت در اسلام به عنوان یک مسؤولیت دینی و در ذیل فریضه امر به معروف و نهی از منکر نیز تعریف می گردد. اما با گذشت بیش از سی و سه سال از پیروزی انقلاب اسلامی، دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر به درستی اجرا نگشته، بلکه منویات اصل هشتم قانون اساسی هم محقق نشده است. همان طور که نظر امام خمینی(ره) نیز در تأسیس اداره مستقل و فرادولتی امر به معروف و نهی از منکر هم جنبه اجرایی نیافته است. بدین خاطر، غایت و مسأله اصلی این پژوهش، آن است که با استمداد از اندیشه‌های امام خمینی(ره) و پیشنهاد ایشان بررسی شود که، آیا می توان امر نظارت در نظام اسلامی را نهادینه‌تر، اصلاح و بازسازی نمود و نهادی فرادولتی را در این زمینه طراحی کرد و چالش‌ها و موانع در این زمینه را برطرف نمود؟ نگارنده با استنادات لازم، بر این باور است که نظر قطعی ایشان تأسیس وزارتخانه و یا نهادی دولتی برای ایفای این وظیفه نبوده است و کاملاً و بسیار هوشمندانه بر تأسیس «دایره» و سازمانی فرادولتی، سراسری و تحت زعامت و اشراف روحانیت در این زمینه تأکید داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: نظارت، وزارت امر به معروف و نهی از منکر، امام خمینی(ره)، علامه مطهری، جمهوری اسلامی، اداره، نظام نظارتی فرادولتی، کشورهای اسلامی

مقدمه

فریضه امر به معروف و نهی از منکر در میان فرایض و تکالیف الهی از ویژگی‌های خاص و حتی منحصر به فرد برخوردار است. اهمیت این ویژگی‌ها در جامعه‌ای که با حاکمیت اسلام و در چارچوب قوانین شرع اداره می‌شود، مضاعف و دوچندان می‌شود؛ زیرا حکومت اسلامی خود وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده دارد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به این موضوع به خوبی توجه شده و از سه بُعد به اجرای فریضه نگریسته شده است. در اصل هشتم قانون اساسی آمده است: «دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت».

این نگرش سه بُعدی که منبعث از فرهنگ اسلام بوده و ریشه در تاریخ اسلام دارد، از دیگر سو بر جنبه‌های مردمی که بیان دیگری از مشارکت عمومی در تعیین سرنوشت جامعه است، تأکید دارد. از سوی دیگر، به صیغه حکومتی امر به معروف و نهی از منکر که نیازمند فعالیتی سازمان یافته، تشکیلاتی و منسجم است، تصریح می‌کند. حال چگونه می‌توان این سه وجه را در جامعه اسلامی تحقق بخشید؟

امام خمینی(ره) از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و موضوع نظارت در نظام اسلامی عنایت خاصی داشته و در فکر تشکیل سازمان مستقلی برای این منظور بودند. طرح موضوع وزارتخانه مستقل برای مدیریت بر انجام این واجب الهی و حکم تشکیل اداره «امر به معروف و نهی از منکر» به شورای انقلاب از سوی امام(ره)، بیانگر اهمیت بخشی بیش از حد ایشان به این موضوع بود و جالب اینجاست که از همان ابتدای انقلاب اسلامی، طرح یاد شده نظر برخی از صاحب نظران را به خود جلب نمود(دوست محمدی، ۱۳۵۸ و ۱۳۷۶: ۶۱۰-۵۴). ولی به دلیل عدم همراهی و مخالفت برخی مسؤولان آن زمان، به فراموشی سپرده شد.

متأسفانه با گذشت سی و سه سال از انقلاب اسلامی، هنوز فعالیت‌های قابل توجهی در زمینه تحقق نظام نظارتی فرادولتی مورد نظر امام(ره) صورت نگرفته است و برخی مسؤولین نیز بدین امر معترفند(پور محمدی، ۱۳۸۹: ۴۵).

بدین خاطر، غایت و مسأله اصلی این پژوهش آن است که با استمداد از اندیشه‌های امام خمینی(ره) و پیشنهاد ایشان، نشان داده شود که آیا می‌توان امر نظارت در نظام اسلامی را نهادینه‌تر، اصلاح و بازسازی نمود و نهادی فرادولتی را در این زمینه طراحی کرد و چالش‌ها و موانع موجود در این زمینه را برطرف نمود؟ بر مبنای طرح مسأله و سؤال اصلی مطرح شده، فرضیه و مدعای تحقیق حاضر را می‌توان اینگونه مطرح نمود: «به نظر می‌رسد نظارت دارای جایگاهی عالی و اصلاحی در نظام اسلامی و منابع دینی وجود دارد و می‌توان بر اساس آرای امام خمینی(ره) و پیشنهاد ایشان، امر نظارت در نظام اسلامی را نهادینه‌تر، اصلاح و بازسازی نمود و نهادی فرادولتی را در این زمینه طراحی کرد.»

البته، پرسش‌های فرعی دیگری نیز در این بین قابل طرح است؛ از جمله این که نقش و جایگاه روحانیت و یا دولت در حوزه سیاست‌گذاری، حمایت، تصدی‌گری در این زمینه چیست و آیا این دو نهاد در این زمینه از هم منفک و مستقل‌اند و یا متعامل و متمم همدیگرند؟ و یا می‌توان پرسید رویکرد این الگو به مقوله حقوق شهروندی و بالاخص به حقوق اجتماعی شهروندان چیست؟ و در این نظام نظارتی نقش مردم چگونه است و شیوه مشارکت آنها آیا باید به صورت توده‌ای و منفعلانه و یا مدنی و فعال باشد؟ آیا علت ناکارآمدی نهادهایی مانند ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر فقط در حکومتی بودن آنهاست یا اینکه عوامل و موانع دیگری نیز دست اندرکار است؟

بدین ترتیب، با توجه به نیاز شدید آسیب‌شناسی نظام نظارتی کشور و ضرورت بازسازی نهادی مستقل در این زمینه، در نوشتار حاضر با طرح برخی از دیدگاه‌های مهم، نظام نظارتی فرادولتی امام(ره) تبیین، ارزیابی و امکان‌سنجی می‌گردد و تا حد ممکن ضمن پاسخ به پرسش‌های مطروحه، مدعای تحقیق روایی سنجی می‌گردد(اخوان کاظمی، ۱۳۹۱).

۱- بحثی نظری درباره جنبه فردی یا سازمانی امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی از فرائض رکنی و اساسی مکتب اسلام است که درباره آن هم آیات بیشماری وارد شده و هم در روایات ائمه معصومین جایگاه و منزلت خاصی دارد. به عنوان نمونه، در آیه ۴۱ سوره حج «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»، ویژگی حکومت صالحان، انجام امر به معروف و نهی از

منکر عنوان شده است (فاتحی و «دیگران»، ۱۳۸۸: ۱۲۰) و یا در بعضی روایات آمده است که همه فرائض چه آسان و چه سخت، به وسیله امر به معروف و نهی از منکر برپا می‌شود، و امر به این فریضه دعوت به اسلام است، امر به معروف و نهی از منکر رد مظالم است، مقابله با ظالم است، اخذ صدقات است. همه اینها مفاد حدیث شریفی است که مسعده از امام صادق یا امام باقر نقل می‌کند (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۵۵).

بر اساس مبانی بینشی و تربیت دینی اسلام، دولت به خودی خود یک هدف غایی به شمار نمی‌آید بلکه ابزاری است که باید به وسیله آن، قانون و حاکمیت الهی در میان مردم پیاده شود. از این منظر، دولت دینی یا همان حکومت اسلامی به معنای حکومت قانون الهی است. در این دیدگاه، دولت در برابر دین و اعتقادات مردم مسؤول است و نمی‌تواند «بی طرف» و یا «کم توجه» باشد؛ به همین دلیل کارگزاران این دولت دینی باید حداکثر کوشش خود را به کار ببرند تا هرگونه نظام‌سازی، ساختارسازی، چینش سازمان‌ها، وضع مقررات، اعمال مدیریت‌های خرد و کلان و نیز سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بر اساس جهان‌بینی و مبانی معرفتی اسلام صورت پذیرد.

از این منظر، هرچند امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی است و دولت و ملت در آن نقش دارند اما بخش مهمی از ملزومات آن که اعمال قدرت می‌باشد، در حکومت و دولت تبلور می‌یابد و حاکم اسلامی مؤظف است امکانات و زمینه‌های لازم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را فراهم سازد تا جامعه به سوی معروف و خوبی‌ها گرایش پیدا کند و از بدی‌ها و کژی‌ها بازداشته شود.

نکته بسیار مهم آن است که درباره این فریضه دودسته آیات وجود دارد: در یک دسته، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان تکلیف و فریضه یکایک افراد آمده است (سوره توبه آیه ۷۱ و ۱۱۲ و سوره لقمان، آیه ۱۷) و در دسته دوم، به عنوان وظیفه و نهادی است که بر دوش حاکمیت و مدیریت جامعه اسلامی قرار دارد. در دسته اول آیات، امر به معروف و نهی از منکر را مانند سایر فرایض همچون نماز و زکات قرار داده که بر همگان واجب است؛ این همان تکلیف عمومی، امر به معروف و نهی از منکر است که مکلف به این تکلیف مانند بقیه فروع دین، آحاد مسلمانان است.

در دسته دوم از آیات(آیه ۱۰۴ و ۱۱۰سوره آل عمران، آیه ۴۱ سوره حج)، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه حکومتی و مسؤولیت کلان بردوش حاکمیت و مدیریت اسلامی قرار داده شده و به عنوان نهادی که باید در حکومت اسلامی بر پا شود و مجموعه‌ای متکلف و عهده دار انجام مسؤولیت اقامه معروف و نهی از منکر شوند(شاهروندی، ۱۳۸۵).

به نظر می‌رسد، در شرایط فعلی موازی‌کاری، پراکنده‌کاری، تعدد مدیریت در امر توسعه فرهنگ دینی، مشخص نبودن متولی و عدم مسؤولیت‌پذیری سازمان‌های موجود، باعث بروز کاستی‌هایی در ترویج امر به معروف و نهی از منکر و فرهنگ دینی شده است.

۲- پیشینه اجرای سازمانی امر به معروف و نهی از منکر

۱-۲- در ایران

در تاریخ ایران و اسلام، اجرای سازمان یافته امر به معروف و نهی از منکر با عنوان «حسبه» درهم آمیخته و موقعیت والایی داشته است. به عنوان نمونه، در دوران صفویه محتسب الممالک از مناصب رسمی حکومت بود و مرکز آن در پایتخت استقرار داشته و در شهرهای مختلف از نمایندگی برخوردار بوده است و یا در دوره قاجاریه، یکی از دوایر مهم دولتی «دایرة الاحتساب» بود و در زمان حکومت پنجاه ساله ناصرالدین شاه، این نهاد، قدرت قابل توجهی کسب کرد.

علاوه بر این، پیش از انقلاب مشروطه، «قانون امور حسبی» وضع گردید. در ماده یک این قانون آمده بود: امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند. بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوا از طرف آنها باشد. بنا به ماده ۳ همین قانون: رسیدگی به امور حسبی در دادگاه‌های حقوقی به عمل می‌آمد.

پس از این مقطع، به تدریج با محدود کردن اختیارات محتسب، دایرة حسبه و به تبع آن امر به معروف و نهی از منکر رو به افول نهاد و در دوران منحوس و استبدادی پهلوی محو گردید. در مقابل از این دوران به بعد امر به معروف و نهی از منکر مردمی در عرصه‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی قوت بیشتری یافت و حرکت‌ها و مبارزات فردی و پراکنده آحاد

مردم با رهبری بی بدیل بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی(ره) در خلال سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، به حرکتی متحد و یکپارچه تبدیل شد و با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نظام استکباری را در هم فرو ریخت.

با تجلی حکومت اسلامی به رهبری زعامت ولی فقیه زمان، امر به معروف و نهی از منکر روحی تازه یافت. از یک سو، مردم در پی تحکیم و تثبیت انقلاب و ارزش‌های اسلامی تا پای جان به میدان امر به معروف و نهی از منکر آمدند و با وجود دیدگاه قاطع امام راحل در تأسیس اداره مستقل برای انجام این فریضه، این پیشنهاد به دلایل مختلف جنبه عملی به خود نگرفت.

در سال‌های دفاع مقدس و پس از آن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه به دلیل نداشتن متولی و سازمان مشخص، جهت سیاستگذاری، برنامه ریزی و اجراء دچار افراط و تفریط‌های شد. در سال ۱۳۷۲ ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر با فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی تأسیس شد و در نیروی مقاومت بسیج نیز مرکز اجرایی امر به معروف و نهی از منکر آغاز به کار کرد. از سوی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر مردمی که پس از خاتمه جنگ و تحت تأثیر تهاجم فرهنگی کاهش یافته بود. طی سال‌های اخیر، با تأکیدهای رهبر معظم انقلاب ستاد احیاء و مرکز اجرایی امر به معروف و نهی از منکر، فعالیت‌هایی را مانند تشکیل فراکسیون امر به معروف و نهی از منکر در مجلس، بر پایی کارگاه‌های آموزشی این فریضه در تمامی استان‌ها، ایجاد شورای فریضه مزبور در نهاد ریاست جمهوری و ستاد حفاظت و پیشگیری اجتماعی قوه قضاییه، اجرایی کردن منشور امر به معروف و نهی از منکر، یکسان سازی نظارت بر حسن اجرای مصوبه حجاب و عفاف را سامان داد و با پیگیری‌های این ستاد، علاوه بر برگزاری همایش‌های علمی توسط ستادهای احیای استان‌های کشور، طی بخشنامه‌ای از سوی معاونت اجرایی رییس جمهوری، شوراها و نهادهای امر به معروف و نهی از منکر در دستگاه‌های دولتی ایجاد گردید. یکی از آخرین اقدامات ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، اجرای آزمایشی طرح تذکر زبانی(لسانی) در چند شهر کشور است(طرح تذکر، ۱۳۸۹).

ملاحظه می‌گردد که در شرایط فعلی تنها شکل اجرای سازمانی این فریضه، یعنی ستاد احیای امر به معروف و نهی کشور با کم‌ترین تشکیلات، قدرت و امکانات با اقدامات بسیار محدود در حال فعالیت است و این در حالی است که اداره امر به معروف باید تحت ضوابط قانونی با تشکیلاتی منظم و قدرت خیلی زیاد تأسیس شود؛ به طوری که بتواند نسبت به بالاترین فرد هم در صورت تخلف برخورد کنند. بدین ترتیب، با گذشت بیش از سی و سه سال از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت اسلامی نه جنبه حکومتی امر به معروف و نهی از منکر و نه جنبه مردمی آن هیچ یک به نحو شایسته‌ای محقق نگردیده و فعلاً اقدامات عملی در حد طرح‌ها و پیشنهادهای روی کاغذ باقی مانده است.

۲-۲- در کشورهای اسلامی

با نگاهی به شیوه‌های اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر در طول تاریخ، می‌توان تاریخ اسلام را به سه دوره انفرادی، سازمانی، تشریفاتی تقسیم کرد که در هر دوره، این فریضه اسلامی به شیوه خاص خود به اجرا در می‌آمده است. تاریخ بیانگر آن است که اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر در هر دوره با مشکلات اجرائی و عملی خاص خود مواجه گردیده و در نهایت با تعطیلی روبرو شده است (رضایی راد، و «دیگران»، ۱۳۸۴: ۷۳-۱۰). در این میان، اجرای سازمانی اصل مزبور بیشتر مغفول واقع گشته است. البته، اندیشمندان و مصلحین جهان اسلام همیشه متوجه این نقیصه و ضرورت مقابله با آن بوده‌اند و لذا تلاش کرده‌اند حتی با برخورداری از کم‌ترین امکانات به مقابله با این معضل پردازند. به عنوان نمونه سیدجمال‌الدین اسدآبادی با تأسیس «انجمن وطنی» به این موضوع پرداخت. وی هنگامی که با رویکرد نجات ممالک اسلامی وارد مصر شد این انجمن را تشکیل داد (هاشمی نژاد، ۱۳۵۷: ۴۰۴-۴۱۲).

انجام چنین اقدامات موردی کمابیش در تاریخ کشورهای اسلامی و سیره نظری و عملی اندیشمندان مسلمان مشاهده می‌گردد، ولی چه در گذشته و چه در زمان حال، وحدت رویه عملی و موفقیت لازم در این زمینه ملاحظه نمی‌شود. یکی از بررسی‌های جدید انجام شده (صنایع، و «دیگران»، ۱۳۸۴: ۸-۹) نشان می‌دهد که اجرای سازمانی امر به معروف و نهی از منکر در کشورهای اسلامی، غالباً تک بعدی صورت یافته است و یکی از دو طرف

حکومت یا مردم مورد توجه قرار گرفته و دیگری به عمد یا به سهو تا حدودی رها شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی را در این زمینه، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

اول: کشورهایی که به جنبه حکومتی امر به معروف و نهی از منکر توجه نموده و بر همین اساس، برنامه ریزی و اقدام می‌نمایند؛ مانند عربستان سعودی، سودان و کویت. دوم: کشورهایی که جنبه مردمی امر به معروف و نهی از منکر در آن رونق بیشتری یافته است؛ مانند مصر، پاکستان، بحرین، اردن و بنگلادش.

سوم: کشورهایی که به هیچ یک از دو جنبه مذکور توجه ندارند و حد آخر این که موردی برخورد می‌شود؛ مانند قطر، لیبی و سوریه.

پژوهش‌های انجام شده پیش گفته، دارای نتایج درخوری مانند موارد زیر بوده است: یک: در کشورهایی که نهاد منسجم، هدفمند و تشکیلاتی اعم از دولتی و غیر از دولتی جهت اجرای امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد. علاوه بر اجرای مرحله زبانی، برخورد فیزیکی نیز اعمال می‌گردد. این حالت در کشورهایی که از نهادی حکومتی و دولتی برخوردارند، تشدید می‌یابد.

دو: در کشورهایی که امر به معروف و نهی از منکر جایگاه تشکیلاتی مشخصی ندارند، بیشتر به تذکر زبانی اکتفا می‌شود که آن هم به صورت پراکنده و خود جوش می‌باشد.

سه: بررسی اطلاعات و داده‌ها نشان می‌دهد که در کشورهایی که امر به معروف و نهی از منکر متولی مشخص نهاد گونه دارد، به ویژه در آنجایی که صبغه دولتی پیدا کرده است، مردم در این عرصه کم‌تر وارد می‌شوند و به گونه‌ای از خود سلب مسؤلیت کرده‌اند و در کشورهایی که نهاد یا سازمانی مشخص وجود ندارد، حضور مردم در عرصه امر به معروف و نهی از منکر گسترده‌تر و فعالانه‌تر می‌باشد. از این رو، باید در نظام امر به معروف و نهی از منکر به آفتی که ممکن است در پی دولتی شدن امر به معروف و نهی از منکر جامعه را تهدید کند و آحاد مردم را نسبت به مسائل جامعه بی‌تفاوت سازد، توجه خاص نمود.

چهار: در کشورهایی که به امر به معروف و نهی از منکر توجهی خاص شده است. آموزش نیروهای آمر و ناهی از لحاظ معرفتی و عملکردی به عنوان یک اصل مهم قلمداد شده است (صنایع و «دیگران»، ۱۳۸۴: ۸-۹).

۳- طرح دیدگاه‌ها

۳-۱- دیدگاه امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، از ابتدا به موضوع نظارت و ضرورت اجرای فریضه امر به معروف و نهی(امر به معروف و نهی از منکر، ۱۳۸۸) از منکر آن هم در قالب سازمان و اداره‌ای مستقل، عنایت بسیار ویژه‌ای داشتند و با فراست و هوشمندی ویژه خویش، اهمیت این امر مهم را به وضوح احساس می‌کردند و به همین خاطر، از اولین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فکر تشکیل سازمان مستقلی برای این منظور بودند. در همین راستا، امام راحل در تاریخ دهم اسفندماه ۵۷، یعنی بیست روز پس از پیروزی انقلاب، طی یک سخنرانی در مدرسه فیضیه تشکیل دایره امر به معروف و نهی از منکر را بشارت داده و فرمودند:

«ما مبارزه با فساد را با دایره امر به معروف و نهی از منکر که یک وزارتخانه مستقل بدون وابستگی به دولت که تأسیس خواهد شد، ان شاء الله مبارزه با فساد می‌کنیم. فحشا را قطع می‌کنیم، مطبوعات را اصلاح می‌کنیم، رادیو را اصلاح می‌کنیم» (امام خمینی، ج ۶: ۲۷۴).

سپس، امام راحل در اوایل سال ۱۳۵۸، یعنی زمانی که در شهر قم ساکن بودند، به شورای انقلاب اسلامی طی حکم تشکیل اداره «امر به معروف و نهی از منکر» به شورای انقلاب، چنین دستور دادند:

«شورای انقلاب اسلامی به موجب این مرقوم مأموریت دارد که اداره‌ای به اسم «امر به معروف و نهی از منکر» در مرکز تأسیس نماید؛ و شعبه‌های آن در تمام کشور گسترش پیدا کند؛ و این اداره، مستقل و در کنار دولت انقلابی اسلامی است و ناظر به اعمال دولت و ادارات دولتی و تمام اقشار ملت است. و دولت انقلاب اسلامی مأمور است که اوامر صادره از این اداره را اجرا نماید و این اداره مأمور است که در سراسر کشور از منکرات به هر صورت که باشد، جلوگیری نماید و حدود شرعی را تحت نظر حاکم شرعی یا منصوب از قیل او اجرا نماید و احدی از اعضای دولت و قوای انتظامی حق مزاحمت با متصدیان این اداره ندارند. و

در اجرای حکم و حدود الهی احدی مستثنی نیست حتی اگر خدای نخواست رهبر انقلاب یا رئیس دولت مرتکب چیزی شد که موجب حد شرعی است، باید در مورد او اجرا شود» (امام خمینی، ج ۹: ۲۱۳).

البته، این حکم بنا به دلایلی اجرا نشد و در تاریخ انقلاب اسلامی در هاله‌ای از ابهام باقی ماند و اهمیت این فریضه آن گونه که باید احساس نشد. علی‌رغم تصویب اصلی در قانون اساسی مبنی بر آنکه «امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت» و واگذار کردن شرایط و حدود و کیفیت آن به، هنوز پس از گذشت سی و سه سال از تأسیس نظام جمهوری اسلامی، این اصل جدی گرفته نشده و به اجرا در نیامده و این اصل بسیار مهم قانون اساسی معطل مانده است. به همین خاطر، در مباحث آتی سعی بر این است که امکان سنجی تحقق نظام نظارتی فرادولتی امام(ره)، با ارایه چند دیدگاه مهم، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۲-۳- دیدگاه سید احمد خمینی(ره)

مرحوم سید احمد خمینی در سال ۱۳۷۲ توضیحاتی را پیرامون حکم امام(ره) مبنی بر تشکیل اداره «امر به معروف و نهی از منکر» به شورای انقلاب ذکر کرده‌اند که در صحیفه امام، در ذیل متن حکم مزبور، به صورت پاورقی، درج شده که به شرح زیر است:

«این حکم چندی بعد از پیروزی انقلاب از طرف امام خمینی صادر شد و به محض اینکه شایع شد که امام چنین حکمی صادر کرده‌اند، از طرف شورای انقلاب و دولت موقت آمدند و به هر وسیله‌ای که بود، جلوی آن را گرفتند، به دو علت: الف: هنوز تشکیلاتی برای به اجرا در آوردن آن نیست؛ ب: هرج و مرج می‌شود و هرکس، هر فردی را به محکمه می‌برد و یا روحانیون شهرها که وارد هم نیستند، دخالت می‌کنند.

امام گرچه به هیچ وجه قبول نداشتند، ولی چون عده‌ای گفتند، قبول کردند. بعدها معلوم شد که اگر این حکم به اجرا گذاشته می‌شد، با توجه به جو انقلابی می‌توانستیم جلوی خیلی از کارهای خلاف را بگیریم و به عقیده من، دولت موقت از اینکه به محاکم کشیده شوند، هراس داشت» (امام خمینی، ج ۹: ۲۱۳).

۳-۳- دیدگاه برخی مراجع و علما

موضوع تشکیل وزارت یا مؤسسه مستقل امر به معروف و نهی از منکر توسط برخی از بزرگان مراجع شیعی مورد تأیید و تأکید قرار گرفت است و ایشان با ذکر نیاز مبرم، به طور مکرر بر ضرورت تأسیس این وزارتخانه مهر تأیید زده‌اند؛ از جمله آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی با بیان اینکه مسائل اخلاقی در جامعه امروز وضعیت نگران‌کننده یافته و مورد هجوم دشمنان از راه‌های مختلف سایت‌ها و ماهواره‌ها شده است؛ علت عمده این مسأله را نداشتن متولی خاصی برای مسائل اخلاقی در جامعه دانسته‌اند و خواستار ایجاد فوری وزارت یا مؤسسه امر به معروف و نهی از منکر شدند. ایشان در آغاز درس خارج خود، علت مشکلات اخلاقی در جامعه امروزی را متولی خاص نداشتن نسبت به مسائل اخلاقی در جامعه دانسته و ابراز داشتند:

«باید وزارت امر به معروف و نهی از منکر ایجاد شود تا به مسائل اخلاقی در مدارس و دانشگاه‌ها و رسانه‌ها رسیدگی شود ... عدم رسیدگی به مسائل اخلاقی در جامعه باعث ایجاد ناهنجاری‌های سیاسی و اقتصادی است و اگر به مسائل اخلاقی اهمیت داده نشود، این امر باعث ناهنجاری‌های سیاسی و اقتصادی می‌شود و مفسداتی مانند بی‌حجابی و زیاد شدن مواد مخدر در جامعه را در پی دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، کدخبر: ۹۶۹۰۰).

همچنین، آیت‌الله العظمی نوری همدانی، در دیدار مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر ضرورت تأسیس وزارت امر به معروف و نهی از منکر، چنین تصریح کرده است:

«پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ضروری بود که وزارتتی با نام وزارت امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شود تا بر تمامی نهادها و سازمان‌ها و امور کشور نظارت کند و در برابر انحرافات بایستد. اگر چنین وزارتخانه‌ای فعال شود، جلوی روزنامه‌ها و رسانه‌هایی که بر خلاف قوانین جمهوری اسلامی حرکت می‌کنند گرفته می‌شود، ولی تا امروز به دلیل نبود این وزارتخانه، شاهد گمراه نمودن مردم از سوی برخی رسانه‌ها بوده‌ایم» (تأکید یک مرجع: ۱۳۸۹، کد خبر: ۱۳۹۷۲۶).

آیت‌الله محسن مجتهد شبستری، نماینده مردم استان آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان رهبری نیز که در اجلاس هشتم دوره چهارم این مجلس سخن می‌گفت، با ارائه

گزارشی از جریان تأسیس سازمانی برای امر به معروف و نهی از منکر در کشور پیشنهاد کرد که وزارتخانه‌ای برای این امر مهم در اسلام و جوامع اسلامی تأسیس شود (مجتهد شبستری، ۱۳۸۹، کد: ۱۲۰۱۸۹).

افزون بر این، آیت الله املی لاریجانی - رییس قوه قضاییه - در دیدار با اعضای ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر با اعلام تأسف از کم توجهی به فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر از سوی مسؤولان و فراهم نشدن سازوکار قانونی آن، با صراحت بر این نکته تأکید نموده است که «امربه معروف و نهی از منکر باید از طریق مشارکت های مردمی و تشکل های غیر دولتی احیا شود (املی لاریجانی، ۱۳۸۹).

۴-۳- دیدگاه علامه مطهری

یکی از بهترین تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها درباره پیشنهاد امام راحل مبنی بر تأسیس وزارتخانه و یا دایره مستقلی برای اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، توسط شاگرد ایشان علامه شهید مطهری صورت گرفته است و استاد در خلال مصاحبه‌ای که متعاقب پیشنهاد امام (ره) انجام شده و در کتاب پیرامون جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است، دیدگاه‌های خود را در این زمینه بیان نموده اند که به دلیل اهمیت، این پرسش و پاسخ‌ها، دقیقاً و بی کم و کاست در اینجا ذکر می گردد:

سؤال: وزارت امر به معروف و نهی از منکر که امام هم راجع به آن اشاره ای فرمودند، چه خواهد بود و یا چه باید باشد، آیا با این دانشگاه‌هایی که شما فرمودید، ارتباطی می‌تواند داشته باشد؟

جواب: آنچه ایشان فرمودند، وزارت امر به معروف نیست؛ اگر وزارت باشد یعنی اگر اسمش را وزارت بخواهیم بگذاریم، معنایش اینست که دستگاهی وابسته به دولت باشد و از بودجه دولت هم استفاده بکند و قهراً تحت مقررات و ضوابط دولتی باشد و زیر نظر نخست وزیر وقت و وزیری که از ناحیه نخست وزیر تعیین می‌شود باشد بلکه مقصودشان یک مؤسسه مستقل و وابسته به روحانیت است و این نظریه بر اساس نظریه دیگری است که ایشان درباره روحانیت دارند که روحانیت باید مستقل بماند، همچنان که در گذشته مستقل بوده است و نهضت‌هایی که روحانیت کرده به دلیل مستقل بودنش بوده، اینکه روحانیت

شیعه توفیق پیدا کرده که چندین نهضت و انقلاب را در صد ساله اخیر رهبری بکند، به دلیل استقلالش از دستگاه‌های حاکمه وقت بوده، حالا هم که باز حکومت، حکومت اسلامی می‌شود، با اینکه حکومت اسلامی است، ایشان معتقدند که روحانیت باید مستقل و به صورت مردمی مانند همیشه باقی بماند. بلکه روحانیت باید همان پست خودش را که ارشاد و هدایت و نظارت و مبارزه با انحرافات حکومت‌ها و دولت‌هاست، حفظ بکند در آینده هم همین پست را باید حفظ بکند. البته، این به معنی تحریم نیست، به معنی پیشنهاد است ممکن است یک وقتی ضرورت ایجاب بکند که یک فرد [روحانی] معینی چون کس دیگری نیست، [یک پست دولتی را اشغال کند] دیگر نمی‌گوئیم چون بر روحانین تحریم شده [نباید چنین بشود]، لاقلاً در شرایطی مساوی با روحانی وجود دارد، اولویت با غیر روحانی است. این مؤسسه، یعنی همان کاری که روحانین باید انجام دهند، ولی با تشکیلات تا حالا هم امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند ولی به وسیله منابر و سخنرانی‌ها و مقاله‌ها که یک چیز ناقصی بود این کار می‌خواهد به صورت یک تشکیلات منظم در بیاید که تمام مملکت را بپوشد، کلاس داشته باشد، اصلاً امر به معروف کلاس داشته باشد، آموزش ببینند هر کسی که چهار تا منبر یاد گرفت به خودش حق ندهد که برود امر به معروف و نهی از منکر کند آن کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر بکند، باید کلاس ببیند و یاد بگیرد و مجاز باشد برای این کار و محدود باشد؛ به طوری که آن کسی که در یک رشته می‌تواند امر به معروف و نهی از منکر بکند و نه در رشته دیگری، از حد خودش تجاوز نکند. به علاوه، همه مراکز امر به معروف و نهی از منکر که باید تمام کشور را بپوشاند، با یکدیگر در ارتباط باشند و از یک مرکز دستور بگیرند و یک نوع هماهنگی باشد و در حقیقت یک نوع پرورش دینی و مذهبی هماهنگ وجود داشته باشد (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۵-۲۷).

سؤال: آیا قدرت اجرائی هم می‌توانند داشته باشند؟

جواب: البته، خود امر به معروف و نهی از منکر به حسب اصل قانون می‌تواند قدرت اجرائی هم داشته باشد، ولی فعلاً جزء این طرح نیست چون قرار است یک طرح دیگری که این را هم لابد شنیده اید، اجرا شود و آن اینست که یک ارتش ملی اسلامی به وجود بیاید که هسته اش هم ریخته شده به نام پاسداران انقلاب که آنها باید تربیت اسلامی و نظامی

پیدا کنند و از نظر ایدئولوژیکی تعلیمات ببینند. این در کنار امر به معروف و نهی از منکر خواهد بود. احیاناً یک رابطه ای هم میان اینها عنداللزوم برقرار شود، مانعی ندارد. ولی فعلاً جزء طرح نیست. یعنی فعلاً آنهایی که قدرت اجرائی دارند به صورت یک دستگاه مستقل که الان شروع به کار هم کرده اند وجود دارند (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۵-۲۷).

با تأملی در پاسخ استاد شهید مرتضی مطهری، معلوم می شود که اگر قرار به ایجاد اداره و سازمان مستقل امر به معروف و نهی از منکر باشد باید در درجه نخست، این اداره غیر دولتی باشد، دوم دارای استقلال (فارغ از مقررات و ضوابط دولتی) و وابسته به روحانیت باشد، سوم دارای تشکیلات منظم در سراسر کشور باشد، چهارم دارای مرکزیت و برخوردار از برنامه آموزشی جامع باشد.

۵-۳- طرح شورای سیاستگذاری امر به معروف و نهی از منکر

در خلال یک سال اخیر تاکنون طرح‌هایی پیرامون موضوع چگونگی تحقق اصل هشتم قانون اساسی و نحوه نهادینه سازی سازمانی اجرای امر به معروف و نهی از منکر در مجلس شورای اسلامی عرضه شده است. از جمله، به تازگی یکی از نمایندگان عضو کمیسیون فرهنگی مجلس از لغو تشکیل وزارت خانه امر به معروف و نهی از منکر در کمیسیون مزبور خبر داده است (لغو تشکیل وزارت خانه، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، یکی از اعضای کمیسیون امنیت داخلی و شوراهای مجلس شورای اسلامی (سید محمد جواد ابطحی) در بهمن ماه سال ۱۳۸۹، از تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر و ارسال طرح آن به صحن علنی مجلس و موافقت رهبر معظم انقلاب با آن خبر داده است. به اظهار این نماینده:

« طرح امر به معروف و نهی از منکر به صورت استمزاجی برای تعیین تکلیف خدمت رهبر معظم انقلاب ارجاع شده بود که معظم له با تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر موافقت کرده بودند» (طرح تشکیل سازمان، ۱۳۸۹).

شایان ذکر است که طرح یک فوریتی امر به معروف و نهی از منکر نیز با اکثریت آرا در خرداد ۱۳۸۹ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این طرح که با ۱۰۳ امضا ارائه شده، دارای ۲۸ ماده است و طراحان شرایط، حدود و کیفیت فریضه امر به معروف و نهی از

منکر را مبتنی بر اصل هشتم قانون اساسی شامل تعاریف و الزامات آورده‌اند. نمایندگان طراحان این طرح اعلام کرده‌اند از آنجا که جهت کمال و تعالی انسان‌ها در رشد و بالندگی و افزایش کارآمدی نظام ضرورت انجام فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر غیر قابل انکار بوده و از طرفی اصل مترقی هشتم قانون اساسی در این زمینه، فرایض، حدود و کیفیت آن را منوط به تصویب قانون کرده است، طرح مذکور تقدیم مجلس می‌شود.

بنا به ماده ۲۴ این طرح: به منظور سیاستگذاری در زمینه فریضه امر به معروف و نهی از منکر و گسترش فرهنگ آن در جامعه و ساماندهی امور مربوط به این فریضه، نظارت بر کلیه فعالیت‌های دولتی، غیر دولتی و مردمی و هماهنگی بین دستگاه‌ها، شورایی به نام «شورای سیاستگذاری امر به معروف و نهی از منکر» تشکیل می‌گردد.

بخشی از طرح یک فوریتی امر به معروف و نهی از منکر ناظر به اعمالی است که در جامعه علنی باشد یا بروز اجتماعی داشته باشد و یا بدون ضرورت تجسس ثابت شود که مضر به منافع عمومی و امنیت ملی است. همچنین، امر به معروف و نهی از منکر در مرحله تذکر لسانی، کتبی و ارائه شکایت و گزارش به مراجع دارای صلاحیت و وظیفه همگانی است و در مرحله بعدی به حکومت اختصاص دارد. در بخش دیگری از این طرح آمده است: به عنوان امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان دیگران را به پذیرش یا ترک عقیده‌ای خاص، اکراه یا اجبار وادار کرد. این طرح یک فوریتی با ۱۷۲ رأی موافق، ۱۲ رأی مخالف و ۲۶ رأی ممتنع به تصویب رسید (تصویب فوریت طرح، ۱۳۸۹، کد: ۱۰۰۶۵).

۶-۳- برخی انتقادات از دولتی و وزارتی نمودن امر به معروف و نهی از منکر

دولتی و وزارتی نمودن امر به معروف و نهی از منکر همواره از مخالفان فراوان و جدی برخوردار بوده است. بخشی از محتوای اصلی این گونه انتقادات معمولاً بر این نکته تأکید دارد که تجربه ثابت کرده ایجاد ساختار دولتی برای چنین اموری اصولاً بیراهه است. به عنوان مثال، سازمان ملی جوانان چقدر به حل معضلات مرتبط با جوانان کمک کرده و در میان جوانان جای خود را باز کرده است؟ به نظر این منتقدین، ایجاد و یا وجود چنین ساختارها و تشکیلاتی منجر به عملکردهای سلیقه‌ای و رفع تکلیفی می‌شود که تنها به درد گزارش‌های قطور دولتی می‌خورد و برای اصلاح وضعیت فرهنگی کشور، دولت تنها باید سیاست‌ها و

استراتژی کلان را تدوین و پی‌گیری کند و فرهنگ‌سازی در این زمینه‌ها، با فعالیت مستقیم و بخشنامه‌ای و دولتی به جایی نمی‌رسد و تنها راه، بُعد مردمی بخشیدن به انجام این امور و مشارکت بخشی به تشکیلات مردمی است.

یکی از جدیدترین انتقادات نسبت به دولتی و وزارتی نمودن امر به معروف و نهی از منکر، متعلق به رئیس سازمان بسیج مستضعفین، سردار محمدرضا نقدی است. وی با انتقاد از بحث‌هایی که تحت عنوان تشکیل وزارت خانه امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده و با تأکید بر جنبه مردمی انجام این دو فریضه، اظهار نموده است:

«سپردن امر به معروف و نهی از منکر به یک دستگاه، مثلاً دستگاه اجرایی کشور، به معنای تعطیل کردن این فریضه در سایر بخش‌ها و نهادهاست. چگونه می‌توان قبول کرد که به عنوان مثال امر به معروف و نهی از منکر در قوه مقننه یا قوه قضاییه منع شود و به آنها گفت که شما به این موضوع کاری نداشته باشید، این در واقع یعنی این که شما (سایر قوا، دستگاه‌ها و نهادها) در جای خود بنشینید» (نقدی، ۱۳۸۹).

نقدی در خصوص این که بدون ساختار و تشکیلات منسجم و عدم نظارت کافی ممکن است، اهداف این حکم الهی که در قانون اساسی نیز آمده، به طور کامل محقق نشود، تأکید کرد: باید توجه داشت که سوء استفاده در هر کاری از جمله نماز، روزه و... نیز ممکن است رخ دهد. بنابراین، نمی‌شود به این منظور وزارت نماز تشکیل داد، بلکه باید آسیب‌ها را شناخت و به درمان آن پرداخت، نه این که به خاطر اشتباه فردی موضوع را تعطیل کرد (نقدی، اسفند ۱۳۸۹).

رئیس سازمان بسیج مستضعفین نیز در جلسه مشترک بسیجیان اعضای ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر اصفهان، این فریضه را یک واجب ترک شده معرفی نمود که به دلیل ترک آن، مشکلات بسیاری بر جامعه مستولی شده است. وی با اشاره به فقدان نتیجه مطلوب فعالیت‌های ستاد احیای این فریضه در کشور، یکی از دلایل این امر را عدم ارائه الگوها و برنامه‌های قابل تعمیم انجام این فریضه به آحاد جامعه دانست و با تأکید بر این که احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر با استفاده از قوه قهریه تنها پنج درصد را شامل می‌شود، اظهار داشت:

«۹۵ درصد امر به معروف و نهی از منکر زبانی است که این هم برعهده آحاد مختلف جامعه است. از این رو، اگر بخواهیم وزارتخانه‌ای برای این منظور پیش‌بینی کنیم، نقشی را که اصل هشتم قانون اساسی بر عهده مردم گذاشته مغفول واقع می‌شود... بهترین شیوه اثرگذاری، اجرای این فریضه در میان فامیل، دوستان، آشنایان و ساکنین محل است؛ چرا که نسبت به آنها آشنایی وجود دارد» (نقدی، بهمن ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، جهت ارزیابی و امکان‌سنجی نظام نظارتی فرادولتی امام(ره)، دیدگاه‌های متعددی ارائه شد. اما در ارزیابی و امکان‌سنجی نظام نظارتی فرادولتی امام(ره) باید دقیقاً مشخص می‌گردید که پیشنهاد امام راحل در این زمینه، ناظر بر چه سازمانی برای اجرای نظارت و تحقق فراگیر امر به معروف و نهی از منکر بوده است. نگارنده بر این باور است که نظر قطعی ایشان تأسیس وزارتخانه و یا نهادی دولتی برای ایفای این وظیفه نبوده است و کاملاً و بسیار هوشمندانه بر تأسیس دایره و سازمانی فرادولتی و تحت زعامت و اشراف روحانیت تأکید داشته‌اند و کاربرد کلمه وزارتخانه، سهوی بوده و به معنای وزارتخانه مصطلح دولتی نیست و امام در کنار یک مورد کاربرد این کلمه، در بقیه موارد از واژه‌های «دایره»، «اداره» استفاده نموده‌اند. کما این که امام راحل در تاریخ دهم اسفند ماه ۵۷ طی یک سخنرانی در مدرسه فیضیه، از «دایره امر به معروف و نهی از منکر که یک وزارتخانه مستقل بدون وابستگی به دولت» است، یاد کرده‌اند و پس از آن در اوایل سال ۱۳۵۸، طی حکمی چنین به شورای انقلاب اسلامی مأموریت می‌دهند که به تأسیس اداره‌ای مستقل و سراسری به نام «امر به معروف و نهی از منکر» بپردازند که ناظر به اعمال دولت و ادارات دولتی و تمام اقشار ملت است.

برخی بیانات امام، مبین آن است که چنین اداره مستقل و فرادولتی باید تحت نظر روحانیت باشد. صحت چنین برداشتی از بیانات امام و پیشنهاد ایشان، دقیقاً مطابق با دیدگاه علامه مطهری در تشریح منویات امام است که شرح آن رفت. با تأملی در پاسخ پیش‌گفته استاد شهید مرتضی مطهری معلوم می‌شود که اگر قرار به ایجاد اداره و سازمان مستقل امر به معروف و نهی از منکر باشد، باید در درجه نخست این اداره غیر دولتی باشد، دوم دارای

استقلال از دولت و وابسته به روحانیت باشد، سوم دارای تشکیلات منظم در سراسر کشور باشد، چهارم دارای مرکزیت و برخوردار از برنامه آموزشی جامع باشد.

البته، چنین برداشت روا و صحیحی از پیشنهاد امام، منافی حضور و حمایت کلان، لژیستیک و بودجه ایی دولت از فرایند امر به معروف و نهی از منکر و در قالب تشکیلات مستقل تحت اشراف روحانیت نیست. از این منظر، و بنا به آیاتی مانند آیه ۱۰۴ سوره آل عمران، هرچند امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی است و دولت و ملت در آن نقش دارند، اما بخش مهمی از ملزومات آن، که اعمال قدرت می‌باشد، در حکومت و دولت تبلور می‌یابد.

بنابراین، با الهام از پیشنهاد امام راحل، بایستی نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر با ایجاد یک سازمان غیر دولتی، سراسری و مستقل تحت اشراف روحانیت ساماندهی گردد و دولت نیز بدون هیچ گونه شرطی همواره باید بودجه این سازمان را تأمین نماید؛ هر چند که نهاد روحانیت نیز می‌تواند بخشی از دریافت وجوهات شرعی از مردم را بدین سازمان اختصاص دهد.

به نظر نگارنده، بهتر است سازمان مستقل مزبور تحت نظر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور و مرتبط با مقام عالی ولی فقیه و مراجع بزرگوار دینی و حوزه‌های علمیه سراسری باشد و به طور مستقیم و یا از طریق مراکزی مانند شورای رسیدگی به مساجد کشور، با هزاران امام جماعت مساجد کشور ارتباط سازمانی و ارگانیک پیدا کند.

بدیهی است که در این الگوی و سازوکار سازمانی، انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر تنها تحت مدیریت روحانیون و حوزه‌های کشور است و به هیچ وجه جنبه همگانی و عمومی انجام این فریضه مختل نخواهد گردید، بلکه با ارشاد و جهت دهی روحانیت، این جنبه عمومی تقویت خواهد شد و همان طور که در اصل هشتم قانون اساسی آمده است، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای همگانی و متقابل که بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است، زمینه تحقق خواهد یافت و با تشریک مساعی سازمانی حوزه‌های علمیه و نهاد روحانیت و مردم، ضعف سازمان دهی و عدم مشارکت کافی نهادهای مدنی و فرادولتی، در انجام این فریضه بزرگ و عالی ترین مصداق

نظارت همگانی، مرتفع خواهد گردید و از سوی دیگر، به احیای مجدد نقش اجتماعی، اصلاحی و ارشادی حوزه ها و ایجاد نهضتی مترقی و جهادی تربیت مدار در این مراکز خواهد انجامید.

همچنین، وجود این سازمان مستقل، نه تنها منافی تشکیلات دولتی امر نظارت نیست، بلکه باعث تقویت این دو خواهد شد و نظام سیاسی جمهوری اسلامی نیز بایستی در ایجاد هماهنگی و وحدت رویه این سازمان های تخصصی نظارتی بکوشد و چنین فرایندی را که آغاز شده است، سرعت و استحکام بیشتری بخشد؛ همان گونه که راهکارهای چنین اقدامی بخوبی در این پژوهش نمایانده شده است.

بدین ترتیب، هرچند که ابعاد دقیق نظام نظارتی فرادولتی در اندیشه امام(ره) به وضوح مورد اشاره قرار نگرفته است، اما با توضیحات بیان شده و وام گیری از آرای علامه مطهری می توان استنتاج نمود که نقش و جایگاه روحانیت در نظام نظارتی مزبور، شامل تصدی‌گری غیر انحصارگرایانه، سیاست‌گذاری، و حمایت است. بر این مبنا تصدی‌گری به معنای مدیریت بوده و نافی حضور و مشارکت مردم و سایر نهادها و حتی دولت نیست و البته، وظیفه دولت در این زمینه بیشتر انجام حمایت معنوی و مادی است و اگر چه حوزه‌های علمیه و روحانیت در این زمینه واجد استقلال عملکردی می‌باشند، اما با نهاد دولت در این زمینه - با حفظ استقلال و حالت فرادستی - متعامل و متمم و همکارند.

افزون بر این، این الگو به مقوله حقوق شهروندی و خصوصاً به حقوق اجتماعی شهروندان توجه ویژه‌ای داشته و بر مشارکت همگانی، مدنی و فعال همه آنها به عنوان مسؤولیتی دینی باور دارد و منافی نقش تبعی، توده ای و منفعلانه مردم می باشد و در واقع تحقق الگویی موفق از نظام اسلامی و امت اسوه و مثالی در گرو انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و عینیت یابی نظارت عمومی و مسؤولیت همگانی، در سطح تعاملات مردم با یکدیگر و با نظام سیاسی و اجتماعی است و به گسترش مسؤولیت پذیری و توسعه دایره نظارت عمومی، و پیشبرد جامعه اسلامی و افزایش کارایی الگوی دین سالاری مردمی خواهد انجامید. در این نوشتار و در حد مقدور تنها طرح کلی نظام نظارتی فرادولتی از دیدگاه امام خمینی(ره) نمایانده شده است و بسیار بدیهی است که مبحث یاد شده نیاز به اندیشه

ورزی‌های گسترده و متأملانه سایر اندیشمندان و کارگزاران نظام اسلامی دارد و این روش از سیره امام راحل نیز قابل استنتاج است؛ همچنان که ایشان پس از طرح حکومت اسلامی در کتاب ولایت فقیه، و ارائه خطوط کلی آن در نجف اشرف می‌فرمایند:

« ما اصل موضوع را طرح کردیم و لازم است نسل حاضر و نسل آینده در اطراف آن بحث و فکر نمایند و راه به دست آوردن آن را پیدا کنند ... و انشاءالله تعالی کیفیت تشکیل و سایر متفرعات آن را با مشورت و تبادل نظر به دست آورند» (امام خمینی(ره)، بی تا: ۱۵۰-۱۵۱).

Archive of SID

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام، (زیر چاپ، ۱۳۹۱)، نظارت در نظام اسلامی (با تاکید بر آراء امام خمینی «ره»)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- افروغ، عماد، (۱۳۸۲)، حدود دخالت دولت در موردینی، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، ش ۳۴.
- امام خمینی (ره)، روح الله، (بی تا)، ولایت فقیه، قم، انتشارات آزادی.
- _____، صحیفه نور، ج ۶.
- املی لاریجانی، صادق، (۱۳۸۹)، روزنامه خیرجنوب، شماره ۸۵۷۸، ۲۱ آذر ۱۳۸۹.
- پایگاه خبری، تحلیلی فردا (۱۳۸۹) «طرح تذکر لسانی آغاز شد» کدخبر: ۱۴، ۱۲۲۳۳۱، مهر.
- (<http://ww.fardanews.com>)
- پایگاه خبری - تحلیلی تابناک (۱۳۸۹)، «تاکید یک مرجع بر تشکیل وزارت امر به معروف»، کد خبر: ۱۳۹۷۲۶، تاریخ: ۱۱ دی ۱۳۸۹.
- پایگاه خبری باشگاه خبرنگاران (۱۳۹۰) « لغو تشکیل وزارت خانه امر به معروف و نهی از منکر»، مندرج در، (مورخ ۱۷/۰۱/۱۳۹۰ www.yjc.ir)
- پورمحمدی، حسین، (۱۳۸۹)، «رییس سازمان بازرسی: نتایج امر به معروف در جامعه رضایت بخش نیست»، خبر جنوب، شماره ۸۴۰۰، مورخ ۸۹/۲/۱۸.
- پورمولا، سید محمد هاشم (۱۳۸۳)، ضرورت تشکیلات برای دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر (با تکیه بر فقه شیعه)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع).
- تیلا، پروانه (بهار ۱۳۸۴)، « بسط امر به معروف و نهی از منکر برای مشارکت و همبستگی ملی: نقش و ابتکار بسیج»، مجله مطالعات بسیج، بهار ۱۳۸۴، شماره ۲۶.
- دوست محمدی، هادی، (۱۳۷۶)، «امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت همگانی»، مجله درسهای از مکتب اسلام، دی، شماره ۴۴۲.
- دوست محمدی، هادی، (۱۳۸۵)، «سخن ماه، وزارت امر به معروف و نهی از منکر»، مجله درسهای از مکتب اسلام، سال نوزدهم، شماره ۳.
- رضایی راد، عبدالحسین، قبولی درافشان، سید محمد تقی، (۱۳۸۴)، « آسیب شناسی امر به معروف و نهی از منکر با نظر به تجارب تاریخی»، مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، پاییز، شماره ۶۹.

روزنامه خبرجنوب (۱۳۸۹) «طرح تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر به زودی در صحن
 علنی مجلس»، شماره ۸۶۱۱، مورخ ۲ بهمن .

صنایع، محمد، اسکندری، مرتضی، (۱۳۸۴) «ناظر اول: دولت یا مردم ضمیمه خردنامه همشهری»
 بیست و نهم تیر، شماره ۵۸ .

علی اکبری، حسن (۱۳۷۶) «امر به معروف و نهی از منکر، ضرورت یک تشکل، فصلنامه مطالعات
 بسیج، شماره ۱۵ .

فاتحی، ابوالقاسم / ابوالقاسمی، محمدجواد (۱۳۸۸) «درآمدی بر وظایف دولت دینی در برابر دین و
 اعتقادات مردم»، معرفت سیاسی، شماره ۲ .

الکلینی الرازی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) فروع کافی، قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل
 البیت (ع)، ج ۵ .

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۸۸)، امر به معروف و نهی از منکر، از دید گاه امام
 خمینی (س)، تبیان، آثار موضوعی (دفتر بیست و یکم)، تهران، چ ۷ .

مجتهد شبستری، محسن (۱۳۸۹)، «وزارت امر به معروف و نهی از منکر تاسیس شود»، پایگاه خبری،
 تحلیلی تابناک، کدخبر: ۱۲۰۱۸۹، تاریخ: ۲۵ شهریور. (<http://www.tabnak.ir>)

مطهری، مرتضی (۱۳۶۷) پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات صدرا چاپ چهارم زمستان.
 مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹) «وزارت امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شود»، پایگاه خبری،
 تحلیلی تابناک، کدخبر: ۹۶۹۰۰، تاریخ انتشار: ۱۵ اردیبهشت. (<http://www.tabnak.ir>)

نقدی، محمدرضا (۱۳۸۹) «مخالفت با وزارت امر به معروف و نهی از منکر»، روز نامه مردم سالاری،
 نسخه شماره ۲۹۵۰، مورخ ۱۷ اسفند، (<http://www.mardomsalari.com/>)

نقدی، محمدرضا (۱۳۸۹) «وزارت امر به معروف و نهی از منکر تشکیل نشود»، سایت خبری تحلیلی
 بولتن (<http://www.bultannews.com/>)، کد خبر: ۳۹۱۰۵، تاریخ انتشار: ۱۰ بهمن .

هاشمی شاهرودی، سید محمد (۱۳۸۵)، سخنرانی ریاست وقت قوه قضائیه در افتتاحیه اجلاس
 پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر، در ۲۵ مهر ۱۳۸۵ پایگاه اینترنتی ستاد احیاء امر به معروف و
 نهی از منکر استان خراسان رضوی، (<http://kh-setadehya.ir/>) .

هاشمی نژاد، سیدعبدالکریم (۱۳۵۷)، مناظره دکتر وپیر، [بی جا] مؤسسه انتشاراتی فراهانی.